

تاریخ سیاسی ۱

لارنس کلی

ترجمه

غلامحسین میرزا صالح

دیپلماسی و قتل  
در تهران

نشر نگاه معاصر

## فهرست

۷	پیشگفتار
۱۵	تحصیل در مسکو
۳۱	جنگ ۱۸۱۲
۴۳	شروع زندگی ادبی
۵۵	دونل
۶۷	به سوی تبعیدگاه
۷۷	ورود به تفلیس
۸۷	یرمولف و امپریالیسم روسیه
۹۵	سفر به تهران
۱۰۷	تبریز و نظامیان فراری روس
۱۱۹	اقدامات دیپلماتیک
۱۳۳	بازگشت به تفلیس
۱۴۳	عشق و سیاست در سنت پترزبورگ
۱۵۷	جنگ با ایران
۱۷۱	مذاکرات آتش‌بس
۱۸۱	عهدنامه ترکمانچای
۱۹۵	بازگشت قهرمان
۲۰۷	مهرورزی و ازدواج
۲۲۱	از تبریز تا تهران
۲۳۳	شمارش معکوس برای قتل عام
۲۴۵	بازتاب سیاسی
۲۵۵	پیامد

تکمله	۲۶۱
نظریه دست پنهان انگلیس در قتل گریبایدف	۲۶۳
نمایه	۲۸۷

## پیشگفتار

الکساندر پوشکین در بهار سال ۱۸۲۹ به عزم دیدار با برادرش که در خط  
مخاصمه روس و عثمانی خدمت می‌کرد، در حال سفر به قفقاز بود. او به هنگام  
عبور از کوهستان‌های منطقه با منظره‌ای غیرعادی روبه‌رو شد:

دو ورز او که به یک‌گاری بسته شده بودند در سراشیب تند جاده‌ای  
کوهستانی پایین می‌رفتند. تنی چند گرجی همراه‌گاری راه می‌سپردند. از  
آنان پرسیدم: از کجا می‌آید؟  
- از تهران.

- درگاری چه دارید؟

- گریباید.<sup>۱</sup>

دو ماه پیش از آن الکساندر سیرگیویچ گریبایدف<sup>۲</sup> وزیر مختار روسیه در  
تهران، با تقریباً همه اعضای سفارتش، به دست گروهی ایرانی خشمگین به قتل  
رسیده بودند. آن واقعه نقطه اوج دومین جنگ ایران و روس و عهدنامه صلح  
متعاقب آن به نام ترکمانچای بود که گریبایدف را برای تحمیل شرایط  
تحقیرآمیزش به ایران اعزام کرده بودند. هر چند گریبایدف در تهیه پیش‌نویس  
عهدنامه نقش مهمی داشت، اما از انجام مأموریت خویش در هول و ولا بسر  
می‌برد. پوشکین نوشت:

باور نداشتم بار دیگر گریبایدف خودمان را ببینم. سال پیش در سنت  
پترزبورگ، قبل از آن که عازم ایران شود، با او وداع کرده بودم. غمگین  
می‌نمود و دلشوره عجیبی داشت. در فکر دلداریش بودم که گفت:

1. Griboyed

2. Alexander Sergeyvich Griboydov

"Vous ne connaissez pas ces gens-là: Vous verrez qu'il faudra jouer des couteaux."<sup>۱</sup>

او بر این تصور بود که مرگ شاه باعث خونریزی خواهد شد و به جنگ و دشمنی میان هفتاد پسرش می‌انجامد. هر چند شاه فرتوت همچنان زنده است، اما پیشگویی گریبایدف راست از آب درآمد.

سابقهٔ آشنایی پوشکین با گریبایدف به سال ۱۸۱۷ باز می‌گشت، زمانی که آنان در سنین هیجده و بیست و دو در میان ستارگان در حال درخشش ادبیات و تئاتر سنت پترزبورگ بسر می‌بردند. پوشکین می‌نویسد، همه چیز او:

شخصیت سودایی‌اش، ذکاوت قزاقی‌اش، طبیعت پاکش، بخصوص ضعف و قباحتش، همدلی‌هایش با انسان‌ها و هر چیز دیگرش دلپذیر و خوشایند بود. به خاطر نخوت قرین قریحه‌اش مدت‌ها گرفتار ضروریات ناچیز و گمنامی گردید. توانایی او به عنوان یک دولتمرد نادیده انگاشته شد و به استعداد شاعری‌اش اعتنایی نشد. حتی تا مدت‌ها شجاعت فوق‌العاده و غیرقابل انکارش مورد تردید بود. بعضی از دوستان که منکر ارزش و اعتبار او نبودند، لبخندی از روی شک و تردید می‌زدند، لبخندی ابلهانه و غیرقابل تحمل. همیشه در صحبت‌هایشان او را آدمی عجیب و غریب می‌خواندند.

دو سال بعد، پس از یک دوئل، او را ناگزیر به ترک پایتخت کردند تا در وضعیت نیمه‌تبعید، در مقام یک دیپلمات در گرجستان و ایران مشغول خدمت شود. پوشکین این دوران از زندگی گریبایدف را «تاریک از ابرهای تیره» وصف می‌کند و می‌نویسد: «پیامد شوری آتشین و موقعیتی قاهرانه» که دوئل مورد نظر قطعاً یکی از همین‌ها بود. گریبایدف از آن پس زندگی دوگانه‌ای در پیش گرفت. از یک طرف بیش از پیش به نقش‌آفرینی مهم در بازی روابط ایران و روسیه مبدل گردید و از سوی دیگر نویسنده‌ای نابغه شناخته شد که نثر طنزآلودش در مصیبت عقل<sup>۲</sup> یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای تئاتر روسیه است.

۱. شما این آدم‌ها رانمی‌شناسید، کار به چاقو و چاقوکی خواهد کشید.

گریبایدف پس از ترک گفتن سنت پترزبورگ به مدت پنج سال در گرجستان و ایران بسر برد. در این مدت، نخست به عنوان عضو سیاسی در تبریز، مرکز سیاسی دولت ایران و سپس در مقام مشاور سیاسی ژنرال یرمولف<sup>۱</sup> به خدمت پرداخت، همان شخصیت افسانه‌ای در تاریخ منطقه و سرکوبگر قبایل سرکش آن سرزمین با توسل به سیاست وحشت و زمین سوخته.

گریبایدف در آن سال‌ها بر مهارت دیپلماتیک خود افزود، دانش خویش در زبان فارسی را تکمیل کرد و سفر در شرایط طاقت‌فرسا در سرزمین‌های ناشناخته و خوفناک کوهستانی را تجربه نمود. نامه‌هایش در توصیف ماجراهایی که از سر گذرانیده، مقام ویژه‌ای در میان مکتوب‌نویسان روسی به او بخشیده است. اینک از زمان نشر آن نامه‌ها به زبان انگلیسی مدتها می‌گذرد. از اینها مهم‌تر، در همین ایام بود که قالب مصیبت عقل در ذهنش شکل گرفت.

گریبایدف در بهار ۱۸۲۳ به هنگام گذراندن ایام مرخصی در مسکو توانست به آنچه که دربارهٔ توطئه و ریا و سالوس طبقهٔ اشراف در ذهن داشت جان ببخشد و به صورت درخشانی در مصیبت عقل هجو کند و در تابستان همان سال کار نگارش آن نمایشنامه را به اتمام برساند. انتشار متن خطی که تقریباً بلافاصله انجام گرفت و نسخه‌خوانی آن نشان داد که گریبایدف «جرقه‌های آن را» در میان مخاطبان خاص «پراکنده» است. اما تقبیح جامعه بیش از آن بی‌پرده و ویرانگر بود که ادارهٔ سانسور سنت پترزبورگ با چاپ آن روی خوش نشان دهد و پس از هشت ماه کوشش فقط با انتشار چند صفحهٔ آن در مجلهٔ راشین تالیاً<sup>۲</sup> متعلق به بولگارین<sup>۳</sup> موافقت شد. در همین احوال دوستان گریبایدف دست به کار شدند و به صورت گروهی از افسران و دانشجویان جوان اقدام به تهیه نسخه‌هایی از نمایشنامه کردند. در شکل اولیهٔ «سامیزدات»<sup>۴</sup>

1. Alexis Petrovich Yermolov

2. *Russian Thalia*

3. Faddei Venediktovich Bulgarin

۴. Samizdat یا نشر خصوصی در داخل کشور و Tamizdat یا نشر خارج از کشور. مقصود دستنوشتهٔ کتاب‌های ممنوع، نامه‌ها، اشعار، اعلامیه‌ها و ... است که از اوایل دههٔ ۱۹۶۰ در اتحاد شوروی رواج یافت و تا اندازه‌ای خلأ ناشی از سانسور و سلطهٔ رسانه‌های دولتی را پر کرد.